



گزارش کارشناسی

پرونده‌های دیوان عدالت اداری در خصوص:

ابطال ماده (۱۷) آیین‌نامه اجرایی ماده (۵۰) قانون
تأمین اجتماعی، مصوب ۱۳۵۵/۱۰/۲۵ وزارت
دادگستری و وزارت بهداری و بهزیستی

کد گزارش: ۹۵۱۲۰۸۱

تاریخ انتشار: ۱۳۹۵/۱۲/۱۸

پژوهشکده شورای نگهبان

شناسنامه گزارش

گزارش کارشناسی پرونده های دیوان عدالت اداری

موضوع:

ابطال ماده (۱۷) آیین نامه اجرایی ماده (۵۰) قانون تأمین اجتماعی،
مصوب ۱۳۵۵/۱۰/۲۵ وزارت دادگستری و وزارت بهداشتی و بهزیستی

تهیه و تنظیم:

حسین آینه نگینی

نظارت:

محمدعلی فراهانی و محمدامین ابریشمی راد

پژوهشکده شورای نگهبان

شماره گزارش: ۹۵۱۲۰۸۱

تاریخ تنظیم: ۱۳۹۵/۱۲/۱۸

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

موضوع شکایت: ابطال ماده (۱۷) آیین‌نامه اجرایی ماده (۵۰) قانون تأمین اجتماعی، مصوب ۱۳۵۵/۱۰/۲۵ وزارت دادگستری و وزارت بهداری و بهزیستی^(۱)

شاکی: آقای یزدان سالم

طرف شکایت: سازمان تأمین اجتماعی

جهت مغایرت شرعی: مغایرت با قاعده «لاضرر»

شماره و تاریخ نامه دیوان: ۹۰۰۰/۲۱۰/۹۴۳۷۴/۲۰۰ - ۱۳۹۵/۶/۱۴

مقدمه

شاکی به موجب دادخواست تقدیمی به دیوان عدالت اداری، ابطال موادی از آیین‌نامه اجرایی ماده (۵۰) قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۵/۱۰/۲۵ را تقاضا کرده است. با توجه به اینکه یکی از استنادات شاکی در خصوص مغایرت ماده (۱۷) این آیین‌نامه قاعده شرعی لاضرر بوده است، این پرونده جهت اظهارنظر برای فقهای شورای نگهبان ارسال شده است. در این گزارش ضمن تبیین ادعای شاکی راجع به ماده (۱۷) این آیین‌نامه، ابعاد حقوقی این موضوع مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱. در حال حاضر «وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی» جایگزین «وزارت بهداری و بهزیستی» شده است.

شرح و بررسی

بر طبق ماده (۵۰) قانون تأمین اجتماعی^(۱) مصوب ۱۳۵۴- وصول مستقیم مطالبات سازمان تأمین اجتماعی بر طبق آئین‌نامه اجرایی موضوع این ماده تجویز شده است. در فصل چهارم آیین‌نامه اجرایی ماده مزبور مصوب ۱۳۵۵/۱۰/۲۵، به موضوع «بازداشت اموال منقول» پرداخته شده است.

راجع به میزان اموال قابل بازداشت، ماده (۱۷) آیین‌نامه مذکور^(۲)، مقرر کرده است که مأمور اجرا از اموال بدهکار معادل مبلغ اجرائیه به اضافه ۳۰ درصد، بازداشت خواهد کرد. علاوه بر این، در مواردی که مال مورد بازداشت، منقول غیرقابل تجزیه بوده و ارزشی فراتر از مبلغ اجرائیه به علاوه ۳۰ درصد داشته باشد، تمام مال بازداشت خواهد شد.^(۳)

مبتنی بر مقدمات فوق، شاکی در پرونده مطروحه، با این استدلال که

۱. ماده ۵۰ قانون تأمین اجتماعی: «مطالبات سازمان بابت حق بیمه و خسارات تأخیر و جریمه‌های نقدی که ناشی از اجرای این قانون یا قوانین سابق بیمه‌های اجتماعی و قانون بیمه‌های اجتماعی روستائیان باشد، همچنین هزینه‌های انجام شده طبق مواد ۶۶ و ۹۰ خسارات مذکور در مواد ۹۸ و ۱۰۰ این قانون در حکم مطالبات مستند به اسناد لازم‌الاجرا بوده و طبق مقررات مربوط به اجرای مفاد اسناد رسمی به وسیله مأمورین اجرای سازمان قابل وصول می‌باشد. آئین‌نامه اجرائی این ماده حداکثر ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این قانون از طرف سازمان تهیه و پس از تصویب وزارت رفاه اجتماعی و وزارت دادگستری به موقع اجراء گذارده خواهد شد. تا تصویب آئین‌نامه مزبور مقررات این ماده توسط مأمورین اجرای احکام محاکم دادگستری بر اساس آئین‌نامه ماده ۳۵ قانون بیمه‌های اجتماعی اجراء خواهد شد».

۲. ماده ۱۷ آیین‌نامه اجرایی ماده ۵۰ قانون تأمین اجتماعی: «مأمور اجراء در موقع بازداشت اموال یک نفر ارزیاب سازمان تأمین اجتماعی همراه خود خواهد داشت و از اموال بدهکار معادل مبلغ اجرائیه به اضافه ۳۰ درصد بازداشت خواهد کرد و در صورتی که مورد بازداشت مال منقول غیرقابل تجزیه و بیش از میزان مقرر در این ماده ارزش داشته باشد تمام آن بازداشت خواهد شد».

۳. در تحلیل این موضوع باید به این نکته توجه کرد که نه تنها قانون تأمین اجتماعی، بلکه آیین‌نامه اجرایی ماده ۵۰ این قانون نیز مصوب قبل انقلاب اسلامی است.

بازداشت زاید بر میزان مندرج در اجرائیه، منجر به ورود خسارت به بدهکار می‌شود، مفاد ماده (۱۷) آیین‌نامه اجرایی ماده (۵۰) قانون تأمین اجتماعی را مستند به قاعده «الاضرر» مغایر شرع دانسته است. در ضمن، خواهان در دادخواست تقدیمی مفاد ماده یاد شده را مغایر اصل ۴۰ قانون اساسی نیز دانسته است.

در مقام تحلیل حقوقی ادعای شاکی ذکر این نکته لازم است که ماده (۵۰) قانون تأمین اجتماعی صرفاً وصول «مطالبات» سازمان تأمین اجتماعی را افاده می‌کند. بنابراین با توجه به شأن تبعی آیین‌نامه اجرایی نسبت به قانون، نمی‌توان حکمی ورای مفاد قانون در آیین‌نامه اجرایی گنجانند. بر این اساس با توجه به اینکه بازداشت اموال بدهکار به منظور حصول طلب سازمان تأمین اجتماعی است، در نتیجه حکم به بازداشت ۳۰ درصد اضافه بر مبلغ اجرائیه، فراتر از مفاد قانون و خارج از صلاحیت آیین‌نامه اجرایی است.

علاوه بر این، توجه به نظم حقوقی حاکم بر توقیف و بازداشت اموال در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران و اتخاذ وحدت ملاک از سایر قوانین و مقررات راجع به نحوه اجرای اسناد رسمی لازم‌الاجرا، حاکی از آن است که با توجه به ممنوعیت‌ها، محدودیت‌ها و خساراتی که در نتیجه بازداشت اموال بر حقوق مالک تحمیل می‌شود، در بازداشت و توقیف اموال، باید به میزان محکوم‌به یا میزان مندرج در اجرائیه به اضافه هزینه‌های اجرایی اکتفا کرد. همچنان‌که در مواد (۴۹)^(۱) و (۵۱)^(۱) قانون نحوه اجرای احکام مدنی - مصوب

۱. ماده ۴۹: «در صورتی که محکوم‌علیه در موعدی که برای اجرای حکم مقرر است مدلول حکم را

۱۳۵۶/۸/۱، ماده (۱۲۳) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی^(۲) مصوب ...، ماده (۲۱۸) مکرر قانون مدنی^(۳) مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴ و ماده (۲) قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی^(۴) مصوب ۱۳۹۴/۴/۲۱ بر رعایت این نکته توجه شده است.

نتیجه‌گیری

علاوه بر اینکه حکم ماده (۱۷) آئین‌نامه اجرایی ماده (۵۰) قانون تأمین اجتماعی با سایر احکام قانونی در نظام جمهوری اسلامی ایران تناسب ندارد، صلاحیت یافتن سازمان تأمین اجتماعی جهت بازداشت بیش از مبلغ مندرج در اجرائیه مغایر با صلاحیتی است که قانونگذار در ماده (۵۰) قانون تأمین اجتماعی به این سازمان داده است.

→

طوعاً اجرا ننماید یا قراری با محکوم‌له برای اجرای حکم ندهد و مالی هم معرفی نکند یا مالی از او تأمین و توقیف نشده باشد محکوم‌له می‌تواند درخواست کند که از اموال محکوم‌علیه معادل محکوم‌به توقیف گردد».

۱. ماده ۵۱: «از اموال محکوم‌علیه به میزانی توقیف می‌شود که معادل محکوم‌به و هزینه‌های اجرایی باشد ولی هرگاه مال معرفی شده ارزش بیشتری داشته و قابل تجزیه نباشد تمام آن توقیف خواهد شد. در این صورت اگر مال، غیرمنقول باشد مقدار مشاعی از آن که معادل محکوم‌به و هزینه‌های اجرایی باشد توقیف می‌گردد».

۲. ماده ۱۲۳: «در صورتی که خواسته عین معین نباشد یا عین معین بوده ولی توقیف آن ممکن نباشد، دادگاه معادل قیمت خواسته از سایر اموال خوانده توقیف می‌کند».

۳. ماده ۲۱۸ مکرر: «هرگاه طلبکار به دادگاه دادخواست داده دلائل اقامه نماید که مدیون برای فرار از دین قصد فروش اموال خود را دارد، دادگاه می‌تواند قرار توقیف اموال وی را به میزان بدهی او صادر نماید که در این صورت بدون اجازه دادگاه حق فروش اموال را نخواهد داشت».

۴. ماد ۲: «مرجع اجراء کننده رأی، اعم از قسمت اجرای دادگاه صادرکننده اجرائیه یا مجری نیابت، مکلف است به تقاضای محکوم‌له از طرق پیش‌بینی شده در این قانون و نیز به هر نحو دیگر که قانوناً ممکن باشد، نسبت به شناسایی اموال محکوم‌علیه و توقیف آن به میزان محکوم‌به اقدام کند».

امام خمینی (ره):

و از شورایی محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و چه در نسل مآبی آینده، که با کمال دقت و قدرت و ظایف اسلامی و ملی خود رایانها و تحت تأثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه جلوگیری نمایند.

(سخن امام، ج ۲۱، ص ۴۲۲)



بزهشکده شورای نگهبان

تهران، خیابان شهید سپهبد قزنی، کوچه خسرو، پلاک ۱۲

صندوق پستی: ۱۴۶۳-۱۳۱۴۵ تلفکس: ۸۸۳۳۵۰۴۵

info@shora-rc.ir

www.shora-rc.ir